

اقتصاد جمعیت

علی اصغر نظری: عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

اقتصاد انسانی یا جمعیت، علمی است که در کشورهای جهان سوم به اهمیت آن کمتر توجه شده است. جهت بهره‌وری از این عامل می‌باید جمعیت را پالایش و از نظر ساختارهای گروهی و ترکیب جنسی آن‌ها متعادل ساخت. تعادل در بین گروه‌های سنی سبب می‌شود تا اختلاف در تعداد جمعیت یا تفاوت درصد آن‌ها به حداقل برسد. ترکیب جنسی جمعیت نیز می‌باید به گونه‌ای باشد که نسبت مردان به زنان مساوی و یا تعداد زنان در مقایسه با مردان زیاده‌تر گردد. رخداد این وضعیت حاکی از رفتارهای اجتماعی و فرهنگی معقول و رعایت عدل و انصاف در جامعه است. زنان نسبت به مردان طول عمر بیشتری دارند و چنانچه جامعه موجب تبعیض بین این دو جنس نشود نسبت زنان به مردان فزونی یافته و تا حدود ۱/۵ افزایش خواهد یافت. اگر از نیروی کار زنان در راه عمران و توسعه کشور استفاده شود جامعه زودتر به اهداف نهائی خود که بازده اقتصادی جمعیت است نایل خواهد شد. برای توانمندساختن جمعیت، آموزش، اولین شرط در استفاده اقتصادی از آن است. در صورتی که جمعیت، آموزش‌های تخصصی و تکنیکی ببیند به یک عامل اقتصادی مهم تبدیل شده و ابداع، اختراع و اکتشاف در بین افراد آن آغاز خواهد شد. وقوع این پدیده شروع توسعه و پیشرفت برای جامعه است. مدیریت‌های جمعیتی محرک‌های سازنده‌ای برای سر و سامان دادن به جمعیت‌ها و آماده‌سازی آن‌ها جهت بازدهی اقتصادی می‌باشند.

کلید واژه: گروه‌های جمعیتی، اقتصاد جمعیت، آموزش، ابداع، اختراع، اکتشاف

مقدمه

در میان اکثر دیدگاه‌هایی که انسان در طول حیات و در نتیجه کاربرد تجارب و دانش خود کسب می‌کند، دیدگاه اقتصادی در درجه اول اهمیت قرار دارد. این دیدگاه از دو جنبه ادامه حیات و ملاحظه تلاش انسان‌ها برای دستیابی به انواع امکانات که در نهایت رابطه تنگاتنگ باتوان مالی دارد پدیدار می‌گردد. این دو عامل تا گذشته‌ای نه چندان دور مورد توجه نبودند. زیرا جمعیت در سرزمین‌های مختلف چون امروز زیاد نبود. از آنجا که دولت‌ها با مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی رو به رو نبودند، در طول قرن‌ها به حیات خود ادامه داده و از مدیریت عمران و توسعه غافل بودند. ازدیاد جمعیت، پدیدارشدن کمبودها، عدم موفقیت در دست‌رسانی به نیازها، بالارفتن قیمت‌ها هر یک موجب ظاهرشدن مشکلاتی شدند که بر روی هم، گذران زندگی را مشکل ساخت و به دنبال آن اقتصاد و مسائل مربوط به آن از اقدامات پیگیر و وقت‌گیر اغلب دولت‌ها گردید. در این رابطه دولت‌هایی موفق به حل مشکلات خودگشته و می‌گردند که از توان فکری، تخصصی و علمی بالا سود می‌برند. بهره‌گیری از اندیشه‌های توانمند و بالا در حل مشکلات منحصر به جنبه‌های اقتصادی نمی‌شود و کشورهایی که از این پدیده در امور مختلف و در برطرف کردن ناهنجاری‌ها و چالش‌های اجتماعی استفاده می‌کنند موفق‌تر از دولت‌هایی هستند که فاقد این مهم می‌باشند.

تجارب دهه‌های گذشته و بخصوص از جنگ جهانی دوم به بعد که مراکز آموزشی تخصص را در زمینه‌های مختلف علمی اشاعه و در گسترش آن‌ها اهتمام ورزیدند نشان داد که پیشرفت و توسعه جز از طریق آموزش علوم و تخصص در ابعاد گوناگون میسر و ممکن نمی‌گردد. بر همین اساس بود که کشورهای آگاه و در راس آن‌ها کشورهای پرجمعیت به فکر توسعه مراکز آموزش عالی و تعلیم و تربیت توده‌های جمعیت خود پرداختند و پاره‌ای از این

کشورها نظیر چین و هند در طول هر يك از برنامه هاي عمراني خود ميليون ها نفر از افراد مستعد يعني جوانان خود را آموزش داده و براي نيل به توسعه کشور از آموخته هاي آن- ها بهره گرفتند. دولت چین در دومين برنامه عمراني خود به آموزش و تخصص ۱۲ ميليون نفر مهندس زمین شناسي مبادرت ورزید و پس از تحصيل با اعزام آن ها به نقاط مختلف کشور به شناسائي منابع مختلف زیرزميني آن کشور اقدام نمود (چین و مسايل جمعيتي آن، رشد آموزش جغرافيا ترجمه علي اصغر نظري، ۱۳۶۴).

هر چند با اشاعه تخصص و تکنیک در جامعه جمعيت از نظر ساختار شغلي متحول گشته و به تدريج از فعاليت هاي نوع اول به فعاليت هاي نوع دوم و از نوع دوم به فعاليت هاي نوع سوم و سرانجام به مرحله پاياني يا فعاليت هاي نوع چهارم که زمینه هاي اطلاعاتي است انتقال خواهد يافت و در اين روند پالایش و به تناسب ایده آل که در مراحل توسعه از اصول مهم شمرده مي شود خواهد رسيد، ليکن در کنار آموزش و همراه با سير تحول آن برنامه ريزي براي اصلاح ساختاري جمعيت عاملي است که بايد مورد توجه مسئولين قرار گرفته و در متناسب سازي جمعيت اهتمام ورزند.

جمعيت متناسب

تناسب در تعداد جمعيت و ساختارهاي سني و جنسي آن از اولين اصول براي توسعه و پيشرفت و بهره مندي از امكانات و دست رسي به سطحي از اقتصاد دل خواه است. تعداد جمعيت در يك سرزمين مي بايد به گونه اي باشد که توان هاي طبيعي و اقتصادي آن کشور از يك سو قادر به رفع نيازهاي آن جمعيت باشد به گونه اي که نياز به ورود نيازمندي ها از خارج نباشد و از سوي ديگر جمعيت چنان اندك نباشد که آن سرزمين يا کشور جهت اجراي امور خود ناچار به استفاده از افراد ديگر کشورها باشد. چنانچه کشوري با وضع اخير رو

به رو گردد در هنگام بروز مشکلات افراد غیرملي آن با اندك ناملايمات آنجا را ترك کرده و برنامه هاي مختلف آنرا با كمبود افراد فني و متخصص رو به رو مي سازند كه در نهايت به بروز ناهنجاري در آن سرزمين مي انجامد.

تركيب جنسي

ساختر يا تركيب جنسي از ديدگاه اقتصادي داراي اهميت فوق العاده اي است. در سرزمين هاي توسعه يافته كه محدوديت هاي اجتماعي و فرهنگي براي زنان نظير آنچه در كشورهاي در حال توسعه و عقب افتاده وجود دارد چندان به چشم نمي خورد و لذا زنان از نظر طول عمر در مقايسه با مردان عمر طولاني تر داشته و بطور متوسط حدود ۱۰ سال بيشتر از مردان زندگي مي كنند. اين موضوع سبب شده است كه زنان اكثر كشورهاي توسعه يافته نزديك به ۲۰ درصد بيشتر از مردان آن كشورها باشند، لذا چون نيروي كار مردان كمتر از زنان مي باشد، از نيروي كار زنان جهت انجام امور در فعاليت هاي مختلف استفاده مي شود و بطور متوسط بين ۴۵ تا ۴۸ درصد از نيروي كار اين كشورها را زنان تشكيل مي دهند. در كشورهاي در حال توسعه كه تقريباً تمامي كشورهاي اسلامي در زمره آن قرار دارند، در نتيجه محدوديت هاي متعدد كه براي زنان وجود دارد نه تنها تعداد آن ها از مردان بيشتر نيست بلكه در مقايسه با مردان درصد آن ها كمتر بوده و هر اندازه كشورها با محدوديت هاي اقتصادي بيشتر رو به رو باشند، تعداد زنان آن ها بر اثر برخورد با ناملايمات كمتر مي گردند.

(Human indicators of the world undp united Nations 2001) نتيجه

اينكه كمبود هر يك از دو جنس زن يا مرد در هر كشور سبب بروز مشكلات بسياري براي آن ها مي شود و اين از وظيفات كشورها است كه سعي كنند تا تعادل لازم بين زنان و مردان بوجود آيد.

ساختار سنی

ساختار سنی از ویژگی‌های بسیار مهم در مطالعات جمعیتی است، این ساختار نشان می‌دهد مردمی که در یک کشور زندگی می‌کنند از جهات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در چه وضعی قرار دارند. از طرفی این ساختار منعکس‌کننده موقعیت سرزمین یا کشور مورد مطالعه از نظر مقام و مرتبه و درجه پیشرفت یا عقب افتادگی آن در بین کشورهای مختلف جهان است (جغرافیای جمعیت ایران، علی اصغر نظری، پیام نور، ۱۳۷۵).

ساختار سنی متشکل از تمام ساختارهایی است که کوچک‌ترین فرد کشور و مسن‌ترین آن‌ها را در بر می‌گیرد. این ساختار از نقطه صفر یا اولین ثانیه ورود به حیات تا بالای ۶۰ یا ۶۵ سال که دوره بازنشستگی افراد از آن شروع می‌شود را در بر گرفته و جمعیت هر کشور متشکل از کلیه افرادی است که تعداد معینی از آن‌ها در هر یک از سال‌های مورد محاسبه در هر نقطه از کشور متولد گردیده‌اند. بنابراین ساختار سنی یک جمعیت از نظر محاسبه آماری دارای یک دوره زمانی به طول در حدود یک قرن است که در هر سال آن تعدادی از افراد کشور متولد گشته و در مجموع جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

براساس آنچه بیان شد مردم یا جمعیت هر کشور به گونه‌ای از نظر زمانی یا سنی قرار دارند که گروهی از آن‌ها هنوز به یک سال نرسیده، تعدادی دیگر از یک تا دو سال و این ترتیب به همین گونه ادامه پیدا می‌کند که چند نفر از آن‌ها ممکن است دارای بیش از ۱۰۰ سال سن باشند.

قرارگیری جمعیت در تعداد سال‌هایی به درازای بیش از صد سال و آماده سازی نیازهای آن‌ها که از یک سال تا سال دیگر متفاوت است نیاز به برنامه ریزی بسیار دقیق و حساب شده دارد که تاکنون هیچ کشوری در جهان موفق به انجام آن نشده است و اغلب کشورهای جهان جهت برنامه ریزی‌های مختلف خود جمعیت خویش را در سه گروه خردسالان، میان سالان و بزرگ سالان

طبقه بندی کرده اند که این طبقه بندی به هیچ وجه جوابگوی نیازهای واقعی همه افرادی که در هر یک از این گروهها قرار دارند نیست. برای مثال احتیاجات یک نوزاد یک ماهه با نیازهای یک فرد ۱۴ ساله که هر دو در یک گروه طبقه بندی شده اند و همچنین احتیاجات یک جوان ۲۵ ساله با یک میان سال ۴۵ ساله که در گروه میان سالان جای داده شده اند به هیچ وجه یکسان نیستند. با اینحال برای کاستن از موانع ایجادشونده در اجرای برنامه های مختلف بهتر این است که طبقه بندی جمعیت را در چهار گروه سنی کودکان (۱۴-۰ سال) جوانان (۳۴-۱۵ سال)، بزرگ سالان (۵۹-۳۵ سال) و پیران (+۶۰ سال) انجام دهیم تا بتوانیم هر برنامه ای را دقیق تر با نتایج روشن تر به اجرا درآوریم (جغرافیای جمعیت ایران، علی اصغر نظری، گیتاشناسی ۱۳۷۲).

هم آهنگی متناسب در گروه های جمعیتی

کشورهای جهان باتوجه به فرارگیری در گروه های پیشرفته و توسعه یافته و یا در حال توسعه یا در حال رشد از نظر ساختارهای گروهی جمعیت دارای تفاوت های درصدی بسیار متفاوتی هستند. این عامل آن چنان روشن و بدیهی است که به سادگی می توان با مقایسه گروه های جمعیتی هر یک از دو گروه کشورهای مورد اشاره به درجه اجتماعی آن ها از نظر توسعه یافتگی و یا در حال توسعه پی برد. در این رابطه باید گفته شود که کشورهای توسعه یافته از نظر فرارگیری جمعیت یا به گفته دیگر درصد مردم آن ها در هر گروه جمعیتی دارای اختلاف درصد بسیار چشم گیری نیستند، در حالی که اختلاف درصدها، در گروه های جمعیت کشورهای در حال توسعه به گونه ای که توجه دست اندرکاران مطالعات جمعیتی را به سادگی جلب می کنند. درصد گروه جوانان در بعضی از این کشورها بیش از ۲/۵ و گاه نزدیک به ۵۰ درصد از کل جمعیت آن ها را تشکیل می دهد، در حالی که درصد گروه کودکان حتی در پر زاد و ولدترین

کشورهای توسعه یافته از $\frac{1}{4}$ درصد کل جمعیت آن ها فراتر نمی‌رود. به این نکته نیز باید وافق بود که درصد گروه کودکان در کشورهای اسلامی هیچ گاه در حد کشورهای توسعه یافته غربی پائین نخواهد آمد. زیرا کشورهای غربی از نظر اجتماعی دارای روابط آزاد هستند.

تا گذشته ای نه چندان دور که نظام سنتی تولید متشکل از کشاورزی، صیادی، دامپروری و کارهای باغداری بود، هر يك از این امور محرکي جهت بهره گیری از نیروی انسانی بیشتر و در نتیجه عاملی برای زاد و ولدهای گاه نامحدود بود که نتیجه پایانی آن افزایش جمعیت هر کشور و در نهایت منجر به فقر و تنگ دستی خانواده های پراولاد می شد. دخالت و استفاده از ماشین در زمینه های مختلف و بالارفتن سطح آگاهی خانواده ها بر اثر آموزش و توسعه ارتباطات و از جمله ارتباطات دیداری و شنیداری سبب گردید تا در دهه های اخیر تعداد زای و ولدها به میزان چشم گیری تنزل و از ازدیاد شدید جمعیت در غالب کشورها کاسته گردد. در شرایط کنونی نرخ زاد و ولد در کشورهای اسلامی بالا و غالباً گروه کودکان هر يك از این کشورها در حدود $\frac{2}{5}$ از کل جمعیت آن ها را تشکیل می دهد که از کشورهای توسعه یافته غربی بین ۱۵ تا ۲۰ درصد بالاتر است و همین موضوع سبب می شود تا هزینه نگاه داری این فرزندان مازاد، مبالغ گزافی را بر اقتصاد غالب کشورهای اسلامی تحمیل کند، برای مثال در سال ۱۳۷۵ گروه کودکان ایران $\frac{39}{5}$ درصد از کل جمعیت را شامل گردید که نسبت به کشورهای پسرزاد و ولد توسعه یافته در حدود ۱۵ درصد بیشتر بوده است و این درصد نزدیک به ۱۱ میلیون نفر از جمعیت ایران را تشکیل می داد. اگر برای هر يك از این افراد در هر شبانه روز فقط ۱۰۰۰ تومان هزینه شود در هر ۲۴ ساعت بالغ بر ۱۱ میلیارد تومان و در هر سال به ۴۰۱۵ میلیارد تومان می رسد. از آنجا که این هزینه تا پایان سن ۱۴ سالگی باید انجام شود تا نوزادان و کودکان فعلی دوره کودکی را پشت سر بگذارند، در نتیجه جمع هزینه ۱۱ میلیون بچه مازاد کشور

به حدود ۵۷/۰۰۰ میلیارد تومان یا به ۷۱۲۵ میلیارد دلار خواهد رسید. چنین هزینه ای سبب می شود تا کشور ما با کمبود سرمایه مواجه گشته و نتواند هزینه های آموزشی، بهداشتی، بیمه های مختلف و دیگر نیازهای همگانی را تامین و در نتیجه مردم کشور با انواعی از کمبودها رو به رو می شوند که در نهایت منجر به عقب افتادگی کشور خواهد شد. از طرفی فشار و سنگینی این کمبودها بر دیگر گروه های جمعیت تحمیل می شود.

چنانچه در صد جوانان تعلیم و آموزش دیده کاهش خواهد یافت و گروه بزرگ سالان بخاطر محرومیت های مختلف به درصد پیش بینی شده خود یعنی ۲۳ الی ۲۵ درصد نخواهد رسید. این گروه در ایران در سال ۱۳۷۵ فقط ۱۸/۸ درصد کل جمعیت را شامل شده بود و در این رابطه گروه سال خوردگان بیشترین آسیب را خواهند دید.

درصد گروه سال خوردگان در هر سرزمین اگر به جایگاه واقعی خود برسد می باید ۲۵ درصد از کل جمعیت را تشکیل دهد. این درصد در کشورهای بسیار توسعه یافته جهان هم اکنون بین ۱۵ الی ۱۸ درصد است، در حالی که این درصد در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای اسلامی هنوز به ۸ درصد نمی رسد و این کاهش عللی جز فقر و محرومیت در زمینه های اقتصادی، سواد، بهداشت و درمان و تغذیه ندارد (ویژگی های جغرافیایی کشورهای توسعه یافته، علی اصغر نظری، پیام نور ۱۳۷۴ ص ۱۳۰-۱۲۹).

جدول ۱ درصد گروه های چهارگانه جمعیت در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

ردیف	کشورهای در حال توسعه	درصد	ردیف	کشورهای توسعه یافته	درصد
۱	خردسالان	۳۷-۴۵	۱	خردسالان	۲۵-۲۰
۲	جوانان	۳۰-۳۵	۲	جوانان	۳۷-۳۵
۳	بزرگسالان	۱۶-۲۱	۳	بزرگسالان	۲۴-۲۲
۴	سالخوردگان	۵/۳۷-۳	۴	سالخوردگان	۱۸-۱۵

نقش آموزش در توان مندی های اقتصادی

یکی از علل اصلی و مهم توسعه و پیشرفت توجه به امر آموزش در زمینه های مختلف علمی است. اهمیت آموزش در طول دو قرن اخیر بویژه از انقلاب صنعتی به بعد برای اغلب کشورها آشکار شده است. توسعه دانشگاه ها، ایجاد گرایش های مختلف علمی، پی بردن به اهمیت دانش، تکنیک و تخصص و تربیت تعداد زیادی از افراد فنی و حرفه ای و دانشمند و آگاه به امور مختلف سبب گردید تا پیشرفت های فوق العاده در جهت بهره برداری از توان های طبیعی و انسانی به عمل آید. اهمیت استفاده از نیروهای آموزش دیده و تحصیل کرده تا آن حد مورد توجه کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است که نه تنها سرمایه هنگفتی صرف آموزش و توسعه مراکز علمی خود می کنند تا افراد کشور خویش را آموزش دهند بلکه تا آنجا که بتوانند از افراد تحصیل کرده کشورهای

دیگر و بخصوص افراد متخصص و دارای تکنیک و فن کشورهای در حال توسعه که به اهمیت اقتصادی نیروی انسانی خود وقوف کامل ندارند استفاده و با ترندهای مختلف آنان را جذب نمایند.

فرار مغزها یا drain Brain چند سالی است که شتاب زیادی گرفته و کشورهای توسعه یافته با وعده های گوناگون به جذب نخبگان کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای اسلامی و بویژه ایران مبادرت می ورزند. آنچه مسلم است اینکه برای هر فرد متخصص در هر زمینه علمی میلیون ها تومان یا دلار هزینه می شود و بین ۲ تا ۶ درصد از بودجه ناخالص کشورهای در حال توسعه در هر سال صرف آموزش های مختلف آن ها می شود (Human indicators undp united Nations 2001).

مدیریت

مدیریت در انتظام و بهره گیری از اقتصاد جمعیت یا توان انسانی نقش فوق العاده مهمی را بازی می کند. این گونه مدیریت ها غالباً بر عهده کسانی است که با ویژگی ها و شاخص های جمعیت در کشورها و سطوح مختلف جوامع، آشنایی داشته و قادر به تجزیه و تحلیل مسائل انسانی باشند. مدیریت در اقتصاد انسانی شامل همه ابعاد بهره وری از توان های بالقوه و بالفعل طبیعی و انسانی می شود و افرادی که با ویژگی های مطالعاتی و اختصاصی جمعیت ها از قبیل ترکیب ساختارهای سنی، جنسی، باروری وضعیت سواد، شاخص های فرهنگی، توسعه عقب افتادگی، نحوه اسکان، الگوهای مهاجرتی با رشد مرگ و میر و سایر خصوصیات جمعیت ها آشنا باشند، در مدیریت های اقتصاد انسانی بینش وسیع تری داشته و در ایفای نقش خود موفق تر خواهند بود. اولین کار مدیریت جمعیت، مطالعه ویژگی های مورد اشاره درباره جمعیتی است که تحت بررسی قرار می گیرد، چنانچه جمعیت از نظر ساختارهای سنی، صنعتی و ترکیب،

نامتعادل و گروه‌های چهارگانه آن از نظر تعداد جمعیت یا درصد گروه‌ها تفاوت‌های چشم‌گیری داشته باشند، وظیفه مدیریت آن است که با استفاده از روش‌های متداول و تجارب بدست آمده در جوامع توسعه یافته به بازسازی ساختار جمعیت پردازد و با برنامه ریزی، نقائص موجود را برطرف نماید. برای مثال اگر در جامعه استفاده از نیروی یکی از دو جنس زن یا مرد بیشتر مورد توجه باشد، مدیریت آن جامعه باید پس از کشف علت، راه‌های جدیدی برای استفاده از توان یا نیروی که دارای رکود شده است پیشنهاد نماید. وظیفه مدیریت آن است که هیچ‌گاه نیروی کار یا توان جمعیت را بلااستفاده نگذارد و در هدایت گروه‌های مختلف توانمند برای تولید و بازده اقتصادی برنامه ریزی و به این طریق در پیشبرد جامعه خود تلاش نماید (در غیر این صورت بی‌کاری و تبعات آن منجر به ناهنجاری شده و کشور را با چالش‌ها و مخاطراتی رو به رو می‌سازد).

یکی دیگر از اقداماتی که مدیریت‌های امور جمعیتی می‌باید مدنظر قرار دهند رهنمودهایی برای کنترل جمعیت و تنظیم خانواده است. در سیر تحول جمعیت یعنی گذر از مرحله فعالیت‌های نوع اول به دوم و اجتماع نیروی کار در این مرحله کنترل و تنظیم خانواده خود به خود شکل خواهد گرفت. البته این روند در صورتی بوجود خواهد آمد که کشورها به سمت صنعتی شدن پیش بروند و استفاده از ماشین جایگزین نیروی انسانی در فعالیت‌های نوع اول گردد. با انتقال نیروی کار از مرحله دوم (صنایع) به مرحله سوم (خدمات) کنترل جمعیت شدیدتر یا به جایگاه اصلی و ثابت خود خواهد رسید، زیرا در چنین مرحله‌ای جمعیت‌ها غالباً باسواد، آینده‌نگر و در زمینه‌های کاری خود و از جمله تعداد فرزندان برنامه ریزی می‌کنند.

خلاقیت

خلاقیت پی آمد به کاراندازی فکر و اندیشه است. وقتی درصد بالایی از جمعیت یک کشور یا جامعه فکر و اندیشه خود را با کسب علم و دانش و تکنیک و تخصص صیقل داده و تجارب علمی خود را به کار اندازند اختراعات و اکتشافات زیادی در جامعه به ظهور می رسد و در بین گروه تحصیل کردگان رقابت پدیدار می گردد. رقابت در زمینه ها و عرصه های علمی محرک انواعی از ابداعات در هر جامعه می شود و این مرحله شروع توسعه در عرصه ها و زمینه های مختلف جامعه است.

وقتی جامعه به مرحله شروع توسعه برسد سازمان دهی، دسته بندی و هدایت ره آوردها از اصول مهم برای هدایت کلی جامعه یا کشور می شود، تا آنجا که امکان داشته باشد باید از تکرار و فردگرایی در زمینه های ابداعی جلوگیری شود، زیرا چنین روندی سرمایه و زمان را تلف می سازد و نیل به هدف را تاخیر می اندازد.

مدیران جمعیت همزمان با اقدامات فوق باید به تامین نیازهای سرمایه ای و ابزاری ابداع کنندگان، مخترعین و مکتشفین بپردازند تا از یک سو موجب تشویق و از سوی دیگر تسریع در به نتیجه رسیدن اندیشه های افراد فوق الذکر گردد. این مرحله از نظر آماده سازی جامعه جهت تلاش در آموزش، تعلیم و تعلم کاربرد آموخته ها، تلاش در ابداع، اختراع و اکتشاف با هدف توسعه فراگیر دارای اهمیت زیادی است. وقتی جامعه به این مرحله از بیداری فکری برسد تمایل ملی برای پیشرفت و الگوشدن افزایش پیدا می کند و در صورت تداوم این روند دیری نخواهد گذشت که زمینه های توسعه یکی پس از دیگر پیموده می شود و بعد از اندک زمانی جامعه به سطحی از توسعه خواهد رسید که تولید در صنایع مختلف آن بیشتر از نیازهای داخلی و در نتیجه مسئولین کشور جهت در اختیارگرفتن بازارهای خارجی تولیدکنندگان را یاری خواهند نمود. رسیدن

جامعه به این سطح از پیشرفت موجب ارزآوری و استحکام بنیان اقتصادی کشور خواهد شد و در جایگاهی قرار می‌گیرد که پیشرفت آن تداوم خواهد یافت. نمونه آنچه بیان شد کشورهای ژاپن، هند، مالزی و سنگاپور می‌باشند، که با پشت سرگذاشتن مراحل که بر شمرده شد به آن چنان سطحی از پیشرفت رسیده‌اند که بیش و کم از آنها مطلع می‌باشیم.

هسته‌های پژوهش

یکی از ارکان مهم در تغذیه فکری و علمی هر کشور وجود هسته‌های پژوهش در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. هسته‌های پژوهش می‌توان از علاقه‌مندان به کارهای تحقیقاتی، مخترعین و مکتشفین تشکیل داد. اعضای گروه‌های آموزشی که در سنین بازنشستگی هستند از شایسته‌ترین کسانی می‌باشند که می‌توان از گنجینه فکری آنان حداکثر استفاده را نمود. این گروه که سال‌ها خادم جامعه خویش بوده‌اند، پس از ورود به دوره بازنشستگی از آرامش فکری بیشتری برخوردار می‌شوند و چنانچه مورد توجه و احترام قرار گیرند می‌توانند آموخته‌های خویش را به نسل‌های جوان و فعال منتقل و زمینه‌های توسعه را هموارتر سازند.

سرمایه علمی، فنی، تخصصی و ارشادی این گروه حاصل دست‌آوردهائی است که کشور در طول حیات خود به آن‌ها نائل آمده است. چنانچه از این سرمایه عظیم استفاده شود فاصله زمانی نیل به توسعه بسیار کوتاه می‌گردد.

پیشنهادهای

برای بهره‌گیری از توان جمعیت در کلیه کشورهای اسلامی و ویژه ایران و ارتقاء سطح علمی، فنی، اقتصادی و سیاسی این کشورها، پیشنهادهای زیر

می تواند به عنوان راه کارهای قابل تامل مورد توجه مسئولین و برنامه ریزان جمعیت و سایر مجریان امور اجتماعی قرار گیرد.

۱- پیشنهاد می نماید در صورت وجود فعالین بی کار، نظیر کارگران زراعی، ساختمانی، کارگاهی و زنان بی کار، آن ها را به مراکز آموزشی، فنی و حرفه - ای راهنمایی نمایند.

۲- سعی شود با برنامه ریزی های مناسب و واگذاری مسئولیت های قابل پذیرش از نیروی کار زنان در عرصه های مختلف استفاده و این طبقه از جمعیت را در توسعه کشور سهیم نمایند.

۳- جهت پشتوانه های علمی، فنی و تخصصی از نیروی بازنشستگان در زمینه های مختلف و از جمله ایجاد هسته های پژوهشی در مراکز مختلف بهره گیری شود.

۴- آموزش در کلیه مقاطع و مراحل آموزشی و از جمله تحصیلات تکمیلی و تخصصی رایگان و کارورزان از نظر مالی حمایت گردند، زیرا بازده کار این افراد به جامعه باز می گردد و اعتلای جامعه مرهون تلاش آنان است.

۵- آموزش های تخصصی به صورت فراگیر در سرفلوحه برنامه ریزی دولت ها قرار گیرد و در صورت بی نیازشدن کشور از وجود افراد فنی و متخصص، صدور این افراد از طریق قراردادهای مودقبول دولت ها اجرا تا از یک سو جنبه ارزآوری آن رعایت و از سوی دیگر ویژگی های اسلامی، انسانی و فرهنگی آنان موجب اعتلای کشورشان گردد.

۶- کشورهای اسلامی به جای احداث مراکز آموزش عالی در نقاط شهری که مشکلات فراوانی را برای جوامع شهری ایجاد می کند، این مراکز را در نقاط روستائی و از جمله روستاهائی که دارای موقعیت مرکزی و ارتباطی و عمرانی بیشتری هستند ایجاد نمایند. این کار از یک طرف سبب جلوگیری از مهاجرت های روستا - شهری که انگیزه فرهنگی دارند شده و از طرف دیگر

آموخته های دانشگاهی را در مراکز روستائی بکار بسته و سبب عمران و آبادی روستاها خواهد شد. یکی دیگر از جنبه های مفید این کار هزینه شدن مبالغی است که افراد و مراکز آموزشی ناگزیر از آن هستند و این موضوع سبب اشتغال برای افراد بی کار روستائی خواهد گردید. دادن کمک هزینه های دولتی به دانشجویان و توانمندساختن آنان از نظر مالی موقعیت این طرح را تضمین خواهد نمود.

منابع و مآخذ

- ۱ - وبژگی های جغرافیائی کشورهای اسلامی، علی اصغر نظری، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۴.
- ۲ - سرشماری عمومی نفوس و مسکن - کل کشور ۱۳۷۵ - سازمان برنامه و بودجه مرکز آمار ایران.
3. Basic Facts About the united Nations undp united Nations 2000.
4. U.N.year book 2000. United Nations.
5. State of world Population unfpa 2002.
6. Human Development Report 1999 undp.

Economy population

Asghar nazary :University payam noor

Abstract

Human economy or popuation econony is a factor which is not undrestood perfectly by the third world countries. To make the population profitable the four groups of children (0-14 years) youngs (15-34 years) aged (35-59 years) and olds (60⁺ years) in the age structure of the population shuld balance with each other.

In the case of Additional percentage or number of people in any group especially in the children group a large amount of money will impose on the budget of those countries having much difference in their age groups.

Educating the people and giving technics and especialization to population causes trying to generalize education among tneir population. Trained people can play an important role in the economy criteria of their county. I suggest to the Moslem countries to invest on education and produce economy through their especialized people.

Key works:

Population groups, Human economy, education, innovation.